



# همبستگی هفتگی

# ۲۰

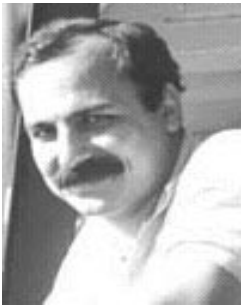
۲۰ مهر ۱۳۸۰  
۱۲ اکتبر ۲۰۰۱

www.hambastegi.org

نشریه هفتگی فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

## طالبان متلاشی شده تصویر آینده نزدیک جمهوری اسلامی است!

مصاحبه همبستگی با محسن ابراهیمی از مرکزیت حزب کمونیست کارگری ایران



ebrahimi1@yahoo.com

تماما طرفدار آمریکا است و در دراز مدت برای رسیدن به این هدف کار خواهد کرد. اما در حال حاضر به این اکتفا خواهد  
صفحه ۲

دم دستش مردم در دسترس را کشتار کند اما دیگر به عنوان سرکردگان قبیله ای و اسلامی، نیرویی که در ویرانه های افغانستان قوانین شریعت را بر سر مردمی مستاصل پیاده میکرد عمرش تمام شده است. **همبستگی:** آیا آمریکا قادر خواهد شد به آلترناتیو سیاسی متناسب با منافع خودش در آلترناتیو آمریکا به جای طالبان از چه خصوصیتی برخوردار است؟ **محسن ابراهیمی:** قطعاً حکومت مطلوب آمریکا، یک حکومت

بر این، دو فاکتور دیگر طالبان را در سرایشی سقوط قرار داده است: اولاً، اینها دیگر از حمایت مالی و نظامی و امنیتی دولتهایی مثل پاکستان و عربستان برخوردار نیستند و ثانیاً، فضا برای تحرک هم مخالفین طالبان از طرفداران ظاهر شاه گرفته تا مجاهدین اتحاد شمال و هم مردمی که عمیقاً از این موجودات متنفرند و برای نابودیش ثابته شماری میکنند باز شده است. طالبان شاید تا مدتی کوتاه، از درون کوهستانها و غارهای افغانستان مردم آزاری کند و با سلاحهای

**همبستگی:** به نظر شما آیا طالبان میتواند از این جریان جان سالم بدر ببرد؟ **محسن ابراهیمی:** به نظرم نه تنها طالبان نخواهد توانست از این ماجرا جان سالم بدر ببرد بلکه تحت تاثیر اتفاقات کنونی، اسلام سیاسی با تروریسم اش به طور کلی از جانب مردم زیر فشارهای سنگینی قرار خواهد گرفت. طالبان جان سالم بدر نخواهد برد نه اساساً به خاطر این که با تعدادی موشک و هواپیمای اسقاط به جنگ زرادخانه عظیم هوایی و دریایی و زمینی نمیشود رفت. علاوه

## همبستگی هفتگی

جمعه ها منتشر میشود

سردبیر: مهرنوش موسوی

دستیار سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 49 1757 402 582

فکس: 00 358 631 542 53

mehrnousch@aol.com

tavakoli@hotmail.com

تامین امنیت

یا راسیسم دولتی!

صفحه ۳

## بستن مرز به روی مردم جنایت مستقیم است!



حامی خود را به خیاباها کشانده تا علیه آمریکا تظاهرات و از «ملت مظلوم افغانستان» دفاع کنند، همه میدانند که  
صفحه ۴

حتی به یک پناهنده را به درون مرزهای ایران نخواهند داد. یک فاجعه عظیم انسانی به وقوع پیوسته است. جانین حاکم همین امروز ارازل و اوبلاش

کودک از گرسنگی جان خود را از دست داده اند. سران جمهوری اسلامی تبلیغات فاشیستی و ضد انسانی خود را شدت بخشیده اعلام میکنند که اجازه ورود

مهرنوش موسوی

در نوار مرزی ایران چه در استان خراسان و چه در مرز سیستان و بلوچستان، نزدیک به یک میلیون فراری و پناهنده افغانی پشت مرزهای ایران در هرات و نقاط دیگر در اردوگاههای بدون کوچکترین امکاناتی به اجبار جا داده شده اند. جانین حاکم بر ایران در نوار مرزی به جای اسکان دادن به آوارگان فراری، برای جلوگیری از ورود آنها خاکریز و سنگر کنده، سیم خاردار میکشند. در حالیکه در همین هفته های اخیر، تنها در دره صوفیه دهها

قبل و بعد از حملات نظامی آمریکا و ناتو به مقرهای جانین حاکم بر افغانستان هزاران هزار نفر از مردم افغانستان به طرف مرزهای کشورهای همجوار و از جمله ایران سرازیر شده اند. دولت پاکستان و همینطور ایران مرزهای خود را به روی آوارگان افغانستانی بسته اند. تنها دو روز گذشته موقتاً مرزهای پاکستان به روی جمع کثیری از مردم باز شده است جمهوری اسلامی مرزهای خود را بر روی هزاران و دهها هزار کودک، زن و انسان بی دفاع بسته است.

حمله نظامی آمریکا و بریتانیا به افغانستان

صفحه ۲

نهمین کنفرانس سراسری فدراسیون اوضاع پناهندگی پس از ۱۱ سپتامبر

یا من بد شانسم یا پدر خوب اصلاً توی دنیا نیست!

صفحه ۴

مرگ بر جمهوری اسلامی!

ادامه

اطلاعیه فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در باره:

## حمله نظامی آمریکا و بریتانیا

### به افغانستان

دیشب نیروهای نظامی آمریکا و بریتانیا با بمب افکن و موشک به مراکز نظامی و تاسیسات ارتباطاتی طالبان در افغانستان حمله کردند. برخلاف تبلیغات رسمی و پروپاگاندا دولتها و رسانه ها، این نه جنگی "علیه تروریسم" بلکه جنگ بین تروریستهاست. هر دو سوی این جدال، چه آمریکا و ناتو و دولتهای مانند پاکستان و چه طالبان و بن لادن و جمهوری اسلامی و جریانان رنگارنگ جنبش اسلام سیاسی، بانیان و مجریان تروریسم و کشتار مردم بیگناه بوده اند و هر کدام پرونده ای قطور در سرکوب، قتل عام، سلب آزادی و تعدی به حقوق مدنی مردم زیر بغلشان دارند. این نه جنگی برای "نفی تروریسم و دفاع از مدنیت"، آنگونه که رسانه ها میگویند، بلکه جنگ تروریسم دولتی آمریکا و ناتو بر علیه طالبان و بن لادن و جریاناتی است که خود دست پرورده آمریکا و غرب و سازمانهای جاسوسی آنها هستند و تاکنون با حمایت دولتهای مرتجعیه مانند پاکستان و عربستان سعودی و جمهوری اسلامی در منطقه به حیات خود ادامه داده است. این جنگ بین دو ارتجاع و دو تروریسم دولتی و غیر دولتی است. این جنگ ربطی به خواست آزادی و مدنیت و سکولاریسم ندارد. هدف دولت آمریکا در این جنگ تثبیت هژمونی و ژاندارمی اش بر جهان از طریق اعمال قدرت نظامی و گسترش میلیتاریسم است. هدف بلافضل و اولیه این حمله نظامی، سرنگونی طالبان و جایگزینی آن با دولتی متشکل از نیروهای اپوزیسیون طالبان از جمله ظاهر شاه و ائتلاف شمال است. برای اسلام سیاسی نیز، این جنگی برای اعاده سهم در قدرت سیاسی و تثبیت موقعیت خویش در معادلات سیاسی است. ما و میلیونها مردم آزادیخواه که مخالف هر دو سوی این جنگ و کشمکش بین المللی تروریستها هستیم، ما مردمی که نه نفی در وجود جنبش ارتجاعی و خونریز اسلام سیاسی داریم و نه نفی در میلیتاریسم و ژاندارمی آمریکا، ما مردمی که مخالفین واقعی تروریسم چه دولتی و چه غیر دولتی آن هستیم، در این جنگ

## طالبان متلاشی شده تصویر آینده نزدیک جمهوری اسلامی است!

حاکم بر ایران ندارد بلکه فرصتها و امکانات تازه ای را برای مردم ایران فراهم خواهد کرد که مدتهاست در کمین نشسته اند و همیشه دنبال فرصت مناسب هستند تا حکومت اسلامی در ایران را به دام بیندازند. اگر اولین بار به قدرت رسیدن جنبش اسلامی در ایران، از یکطرف موجی از امید به پیروزی در میان فرقه های اسلامی راه انداخت و نیروهای چپ و مردم سکولار را به حاشیه راند؛ سرنگونی یک حاکمیت اسلامی اولین نتیجه اش برعکس خواهد بود؛ از یکطرف در میان روسا و طرفداران جنبشها و فرقه های اسلامی یاس و شکست و فروپاشی را دامن خواهد زد و از طرف دیگر در میان مردمی که با اشتیاقی سوزان لحظات زیبای ریشه کن شدن طاعون اسلام سیاسی از منطقه را لحظه شماری میکنند موجی از امید به پیروزی را دامن خواهد زد. منشا واهمه و سراسیمگی که همین الان در میان سران جمهوری اسلامی راه افتاده است در همین حقیقت است. هم برای مردم و هم حتی برای حکومت اسلامی، طالبان متلاشی شده، نزدیکترین و روشن ترین تصویر از آینده حکومت اسلامی است. هم برای سران جمهوری اسلامی و هم از نظر مردم، نابودی طالبان میخ اول تابوتی است که اسلام سیاسی و حکومت اسلامی را حمل خواهد کرد. و همچنین در این تردیدی نیست که سرنگونی جمهوری اسلامی، آخرین میخ این تابوت خواهد بود.

**همبستگی:** برخی جریانان این تصور را دارند که در اثر این اتفاقات جمهوری اسلامی از انزوا در آمده و پایش دوباره به خارج و بالعکس پای سران دول غرب به ایران باز شده و نتیجه میگیرند که این به نفع جمهوری اسلامی است، این تالاشهای دیپلماتیک و سیاسی را چگونه ارزیابی میکنید؟

**محسن ابراهیمی:** این اولین بار نیست که سران دول غرب به ایران رفت و آمد میکنند. رفت و آمد امروزشان دو دلیل دارد. اول میخواهند در کل این ماجرا به طور تاکتیکی جمهوری اسلامی را بیخاصیت و خنثی کنند و ثانياً برای پیش بردن همان اهداف استراتژیک قدیمیشان یعنی استحاله جمهوری اسلامی به حکومت معتدل

کرد که حاکمین بعد از طالبان قبل از هر چیز از تروریسم ضد آمریکایی و ضد غربی حمایت نکنند. واضح است که برای آمریکا ابدا مهم نیست که این حکومت چه رفتاری با حقوق مردم تحت حاکمیتش میکند. ظاهراً اتحادی از روسای قبایل ضد طالبان و سرکردگان فرقه های اسلامی متشکل در اتحاد شمال و ظاهر شاه برای رسیدن به این هدف کافی است. به نظر میرسد با چنین ترکیبی هم پاکستان را راضی خواهد کرد، هم اتحاد شمال در حکومت سهم خواهد شد. چیزی که از همین الان به نحو آشکاری در کل این پروسه غایب است حقوق مردم افغانستان است. در کل کمپین تبلیغاتی غرب این را نمیتوان دید که مردم افغانستان حق دارند زیر سایه شوم روسای قبایل و فرقه های اسلامی زندگی نکنند. مردم افغانستان حق دارند از فدای سرنگونی طالبان، از دخالت شریعت و اسلام در حیات اجتماعی و سیاسی شان رها شوند. مردم افغانستان حق دارند سیستم سیاسی و قوانین حاکم بر زندگیشان را فارغ از تهدیدها و گردنه گیرهای روسای قبایل و فرقه های اسلامی تعیین کنند. اگر چنین تبلیغاتی در کل این کمپین ضد طالبانی دیده نمیشود به این دلیل است که آمریکا اساساً با تروریسم اسلامی ضد آمریکایی مشکل دارد و نه حاکمیت اسلامی قبیله ای ضد انسانی در منطقه. مخصوصاً اینکه آمریکا مایل نیست هیجان ضد اسلام سیاسی در هر شکل و شمایل آن در منطقه میدان ابراز وجود غیر قابل کنترل کننده پیدا کند. چنین چیزی میتواند تحرک نیروهای چپ و ضد اسلام سیاسی و سکولار را در کل منطقه در موقعیت قدرتمندی قرار دهد. و این چیزی است که با پایه ای ترین اهداف نظم نوین بعد از فروپاشی بلوک شرق، یعنی مقابله با چپ تناقض دارد.

**همبستگی:** این وضعیت به نظر شما چه نفع و چه ضررهایی از یکطرف به حال اسلام سیاسی و از طرف دیگر جنبش قوی ضد اسلامی و ضد تروریستی مردم در ایران دارد؟

**محسن ابراهیمی:** نابودی طالبان نه تنها هیچ ضرری برای جنبش ضد حکومت اسلامی تروریستی

## تامین امنیت یا راسیسم دولتی!

در حاشیه مصوبه جدید دولت آلمان برای محدود کردن حقوق شهروندی خارجی



محمد شکوهی

به شهروندان درجه یک که آلمانی می باشند و شهروندان درجه دو که خارجی می باشند، که امنیت و ثبات آلمان را به خطر می اندازند، قرارداد. دولت آلمان و جناب شیلی با این طرح خود راسیسم و تبعیض نژادی، نابرابری شهروندان در برابر قانون، امنیت و حق و حقوق انسانها را لگدمال کرده است. بر علیه این سیاست راسیستی، بر علیه این اقدامات ضد انسانی باید صدای اعتراض خود را بلند کرد. باید مبارزه ای وسیع و سراسری را برای به عقب راندن این تعرض دولت آلمان سازمان داد.

بحرکت از این تئوری که «امنیت آلمان از داخل خود آلمان» به خطر افتاده است، و مظنون اولیه امن خارجی در کل می باشند، یک تئوری ارتجاعی و بشدت راسیستی می باشد. به اجرا در آمدن این مصوبه دیگر زندگی و محیط کار خارجیها نه فقط امنیتی برای این شهروندان ندارد، بلکه هر امن و هر لحظه پلیس می تواند به هر بهانه ای وارد محیط کار و زندگی خارجیها شده، آنان را به بهانه «خطر تهدید امنیت آلمان»، احتمال دست داشتن در حملات تروریستی، عضویت در سازمانهای افراطی و دلایلی از این قبیل دستگیر و تحویل مقامات قضایی بدهد. در برابر این دخالت آشکار و پلیسی دولت آلمان در گوشه و زوایای زندگی خارجیها، در برابر پلیسی و جنایی تر کردن جامعه و نقض ابتدایی ترین حقوق شهروندی مردم، در برابر تشدید فشار باید ایستاد. تمامی این اقدامات از نتایج حملات تروریستی به

یک محدودیت دیگر برای خارجیها ایجاد کرده است. با اعلام این طرح که تحت لوای «مبارزه با تروریسم» صورت می گیرد، حقوق شهروندی میلیونها انسان که سالیان سال در این کشور زندگی می کنند، محدود شده، هر امن و هر لحظه و به هر بهانه ای پلیس می تواند دستور بازداشت، جلب و انجام تحقیقات پلیسی بدون مجوز دادستانی را در باره آنها اجرا نماید. این اقدام دولت آلمان با انتقادات شدیدی در جامعه حقوقدانان آلمان مواجه شده است. استدلال مجامع حقوقی و سازمانهای دفاع از حقوق بشر این می باشد، که از نظر قانونی دولت نمی تواند این مصوبه اش را به اجرا در بیاید، مگر آنکه قانون اساسی را تغییر داده و این مانع قانونی را از سر راه بردارد. اتو شیلی تلویحا اعلام کرده است که در آینده نه چندان دور این کار را خواهد کرد، تا پایه و مشروعیت قانونی به این اقدامات دولت بدهد. این مصوبه دولت آلمان که در کنار سیاست های راسیستی این دولت در برخورد به مهاجرین صورت می گیرد، به بهانه تامین امنیت آلمان شدیدترین حملات در جهت پلیسی و جنایی کردن محیط کار، زندگی و تحصیل خارجیها می باشد. طرح امنیتی شیلی که هدف اصلی امن ایجاد محدودیت برای خارجیها، دخالت کردن در زندگی خصوصی این انسانها، و مساعد کردن زمینه برای حملات بعدی این دولت برای سخت کردن شرایط کار و زندگی میلیونها انسان می باشد. صرف خارجی بودن و

محمد شکوهی

اوایل این هفته اتو شیلی وزیر داخله آلمان در یک مصاحبه مطبوعاتی در برلین مجموعه اقدامات و دستورالعمل های «اضطراری» برای مبارزه با تروریسم را اعلام کرد. از اهم این اقدامات مصوبه دولت آلمان که خود جناب شیلی صادر کرده است، طرح «ساقط کردن حفاظت اطلاعاتی خارجیها» مقیم آلمان می باشد. بر اساس این طرح بحث حفاظت اطلاعاتی، یعنی عدم در اختیار گذاشتن اسناد و اطلاعات مربوط به متقاضیان پناهندگی در دسترس پلیس قضایی و جنایی آلمان، ملغی میشود. قرار است تا چند هفته دیگر تمام اسناد و اطلاعات مهاجرین و پناهجویان در اداره جات دولتی نظیر اداره مسکن، اداره خارجی ها، اداره جاتی که خدمات اجتماعی به پناهجویان ارائه می دهند، دانشگاهها و محل های کار خارجیها در یک «بانک اطلاعات مرکزی» که مستقیما تحت نظر وزیر کشور و مقامات قضایی و پلیس جنایی آلمان می باشد، جمع شود. همزمان مسئله دیپورت خارجیانی که در احزاب و گروههای افراطی اعم از اسلامی و غیر اسلامی شده و رسیدگی به تقاضاهای پناهندگی این افراد مستقیما زیر نظر پلیس امنیتی و مقامات دولتی قرار خواهد گرفت. دولت آلمان با این طرح خود، ابتدایی ترین حقوق شهروندی مهاجرین که در قانون اساسی آلمان برای شهروندان در نظر گرفته شده است را نقض کرده و

## نهمین کنفرانس سراسری فدراسیون اوضاع پناهندگی پس از ۱۱ سپتامبر

با حضور شخصیتهای سرشناس حقوق مدنی و پناهندگی شامل: عفو بین الملل، "آسیل"، "هیچکس غیر قانونی نیست"، جنبش سراسری حقوق مدنی و غیره و نمایندگان کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل و دولتی

جمعه ۱۶ تا یکشنبه ۱۸ نوامبر ۲۰۰۱ ۹ و نیم صبح تا ۹ شب  
وشتافولکت هوس، وشتا توری پلان ۵،

arstafolkethus

وشتا

استکهلم، سوئد

ورود به این کنفرانس برای عموم آزاد است  
برای اطلاعات بیشتر و فرم ثبت نام، لطفا با  
شماره ۰۲۳۱۱ ۷۳۹۸۰۴۶+

از سایت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان  
دیدن کنید

[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)

جدیدترین اطلاعاتی های فدراسیون، جدیدترین شماره نشریه همبستگی،  
آخرین اخبار و رویدادهای پناهندگی و مقالات متنوع دیگر را  
میتوانید مطالعه کنید.

مراجعه کنید.

## یا من بد شانسم یا پدر خوب اصلاً توی دنیا نیست؟

مشروح اقدامات همبستگی برای نجات یک زن و دو دختر!

به در خانه اش بروم. پلیس فوراً حکم داد که هر سه جداگانه مورد پرسش قرار بگیرند. نگران روحیه بچه ها بودیم. تلخ بود یاد آوری لحظات اقدام به تجاوزشان. طولی نکشید. پلیس مدارک را ضمیمه پرونده کرد. نیم ساعتی طول نکشید که دستگیر و روانه زندان شد. قرار شد در خانه خود بماند و نگران نباشند. در راه باز گشت به خانه شان دخترک ۸ ساله بلند بلند میخندید و عرض خیابان را با قدمهای کودکانه اش میرقصید. ما هم با او قرارهایمان را برای ادامه تلاش برای پرونده اقامتش گذاشتیم. خودش باورش نمیشد. هنوز دقیق نمیداند همبستگی چیست. به سئوالاتش قرار شد هفته بعد در دفتر ملاقاتمان پاسخ بگوییم.

بود. همه چیز درست میشود نگران نباش. دختر ۱۶ ساله اش آرام بود و نگاه میکرد. مادر بچه ها یک لحظه روی صندلی نمی نشست. راه میرفت. به شدت ترسیده بود. میگفت در ایران که دادگاه و پلیس حق را به مرد میدهد. بارها از دست پدر بچه هایم شکایت کردم. کتک میزد و بدرفتاری میکرد. حق را به او داده بودند. دعا میکرد که خدا اینجا به او رحم کند. وسط ماجرا گفتم خدا را ول کن. به خودت و اینکه میتونی از این وضع در بیایی اتکا کن. خدای چی! کجاست پس، صدای فریاد این بچه هارو نشنیده؟ کدوم خدا. خودت خدای خودتی. بیایید برویم. رفتیم اداره پلیس. قرار شد که هم شکایت کنیم و هم من رسماً

فردا برت میگردداند ایران. و من میدانستم که در ایران چه جهنمی منتظر من خواهد بود. یک بار دیگر تا غافل شدم و لحظه کوتاهی از منزل بیرون رفتم وقتی برگشتم با دختر ۸ ساله کوچکم کلنجار میرفت. دهانش را گرفته بود و لبانش را میبوسید. همینطوری که حرف میزد. ما تحمل شنیدن ادامه ماجرا را نداشتیم. داشتیم حالمان به هم میخورد. نفرت و خشم نمیدانم چی بود، کمی تأمل کردیم و یکی از بچه ها گفت لباسهایت را بپوش برو دخترهایت را بردار میرویم پیش پلیس. زن در حالیکه از ترس میلرزید، فوری گفت اگر باور نکنند چی. اگر دیپورت شوم چی. به نظر میرسد از اخراجش حتی بیشتر از صدماتی که به بچه ها وارد میشود میترسد. سه تایی گفتیم فعلاً مسئله ما نجات این بچه ها از دست این حیوان کثافت است. نمیگذاریم کسی تو را اخراج کند. گفت کجا بروم. گفتیم همین امشب این خوک را می اندازیم بیرون. یا میرویم خانه حمایت از زنان. گفتیم برو بچه ها را آماده کن. قرار گذاشتیم که قبلاً با خودش و بخصوص بچه ها در یک کافه دیدار کنیم. میخواستیم یک بار دیگر با حوصله اقدامات حقوقی که باید بکنیم و همچنین خود بچه ها را روشن کنیم. بعد از ظهر خودش با بچه ها آمد. دختر کوچکش غم زده بود. شروع به حرف زدن کرد. معلوم بود بچگی اش را دزدیده اند. مثل مادرش حرف میزد و رفتارش مثل یک بزرگسال بود. وسط ماجرا یکبهو به طرف من برگشت و گفت: یا من خیلی بدشانسم، یا پدر خوب اصلاً در دنیا وجود ندارد. قلمم درد گرفت. همینطوری که نگاهش میکردم گفتم در هر حال به خودش میگوید من مقصوم. گفتم نه تقصیر تو و یا بدشانسی تو نیست. دنیا برای بچه ها خیلی بد است. این حیوان اینطوری

تعجب آور بود که ترس بشود ترسیم چهره و میمیک یک آدم. دستش را به دستم زد. گفت به خدا ببین من خیلی نگرانم. دستهایم به سردی دستهای مرده بود. کمی حرف زدیم. مثل یک حیوان کتک خورده و بی اعتماد، خودش را جمع کرده بود و فاصله میگرفت. فقط نگاه میکرد. نگاهش هم ترسیده بود. دستانش را گرفتیم. الهه گفت باید اقدامی بکنیم. گفت: من الان ۳ سال هست در آلمانم. میخواستند اخراج کنند، از روی ناچاری تن به ازدواج با مرد ۴۸ ساله ایی دادم. خودم ۳۶ سال دارم. بچه هایم را از ایران با خودم آورده بودم. شوهرم کارگر بود. بعد از یک مریضی یکی از کلیه هایم را از دست داد. خیلی اذیتم میکرد. با این مرد همین جا آشنا شدم. این مرد به من قول داد که زندگی خوبی برای ما فراهم میکند. طبق قوانین دولت آلمان در صورت اینکه ۲ سال با این مرد ازدواج و زندگی میکریم اقامتم درست میشود. برای نجات بچه هایم از ایران آمدم. یک هفته از زندگی مشترک ما نمیگذشت که رسماً به من گفت که دختر ۱۳ ساله ات را در اختیار من بگذار. میگفت ببین اینجا ایران نیست. همه پدر خوانده ها با دخترهایشان رابطه دارند. اشکالی ندارد. من قبول نمیکردم. میچنگیدم که اجازه ندارد با فرزندان من چنین کند. حتی اجازه ندارد به این مسئله فکر کند. از همان موقع ترسی عجیب بر من مسلط شد. همه جا مثل گرگ مواظب بچه هایم بودم. شب که میخوابیدیم، من بیدار بودم. یک شب صدای خش خش راه رفتن شنیدم. تا بلند شدم فریاد دخترم را شنیدم. یاد روزهای اول بدنی آمدنش و اینکه چقدر به صدای گریه اش حساس بودم افتادم. دویدم و دخترم را بغل کردم. مثلاً یک گنجشک کوچک میلرزید و گریه میکرد. به خودم و به این زندگی تف کردم. میگفتم خدایا چه کنم. خودش به من میگفت اگر لب باز کنی طلاق میدهم و

این گزارش و داستان رنجها و مسائل یک زن فراری از ایران و دو دختر وی میباشد. در عین حال نمایانگر تلاش فعالین همبستگی و کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران در شهر مانهایم آلمان است. الهه رحیمی و علیرضا جمالی دو چهره شناخته شده و مورد اعتماد مردم و پناهجویان منطقه بادن و تن برگ هستند. این گزارش را علیرضا جمالی برای همبستگی ارسال کرده است. سالهاست که علیرضا جمالی با تلاش و مبارزه خود انسانهای بی شماری را برای دست یافتن به حقوق انسانی خود یاری رسانده است.

صبح روز سه شنبه قرار ملاقات داشتیم. دفتر همبستگی در مانهایم. زنی ریز جسه و به شدت ترسیده. حاضر نبود داخل اتاق شود، سرپایی و تند و تند در راهرو حرف میزد. کلماتش نامفهوم بود. با وجود سردی ملایم هوا یک تی شرت به تن و شاید به جای کفش هم سرپایی به پا داشت. به خدا به خدا قرار هست همین امشب سراغ دختر ۱۶ ساله ام برود. تراخدا به دخترم کمک کنید. همین الان رفته بیرون که من بدو بدو داشتم آتشیزی میکرادم که فوری آمدم شما را خبر کنم. قبلاً با خانم رحیمی صحبت کرده بودم. من چکار کنم. آرامش کردیم، گفتیم چرا و برای چی اینقدر میترسی. لبهایم خشک بود. تصویر صورتش اصلاً به خاطر آدم نمی ماند. هر چه میدیدی فقط ترس و وحشت بود. خودش هم نمیدانست چه شکلی است. ترس همه چی را با خودش برده بود. حتی وقتی ماجرای دردناک حمله شوهرش برای تجاوز به دختر کوچک ۸ ساله اش را میگفت گریه نمیکرد. وسط ماجرا مدام سوال میکرد که چه میشود. معلوم بود که سالهاست ترسیده. شاید قبل از اینکه به دنیا هم بیاید میدانست ترس چیست. سالهاست نگران است. خیلی

### ادامه بستن مرز به روی مردم جنایت مستقیم است!

گذاری میکند. ارقام میلیونی کمکهای اتحادیه اروپا توسط گردنه بگیرهای حاکم بالا کشیده شده و کودکان افغانی با وجود کمک ۱۸۰ هزار دلاری یونیسف در همین هفته از گرسنگی و بیماری جان خود را از دست میدهند. اتحادیه اروپا همین هفته طرح کمک ۳۰۰ میلیون دلاری را به کشورهای هم مرز آوارگان افغان تصویب نموده است. مرزها باید بدون درنگ باز شود. تبلیغات فاشیستی علیه مردم باید متوقف شود. فراریان و پناهندگان باید با شرایط و امکانات انسانی اسکان داده شوند. دولت ایران شریک جرم و جنایت و بدبختی مردم در منطقه و در دنیا است. اسلام سیاسی و تروریسم، جمهوری اسلامی و جنبش های اسلامی تروریستی در منطقه طاعونی هستند که زندگی و هست و نیست مردم را سالهاست به تباهی کشیده اند. بستن مرزها به روی فراریان فقط یک قلم کل وحشیگری و ضدانسانیت اسلامشان است.

این اشک تمساح ریختن ها در واقع برای فروریختن حاکمیت گانگسترهای اسلامی و برادران خود آنها در افغانستان است. در برابر مردم افغانستان سنگر میکنند، سیم خاردار درست میکنند و تبلیغات فاشیستی میکنند. مرزها باید به روی این مردم چه در ایران و چه در پاکستان سریعاً و فوری به روی مردم باز شود. بستن مرزها، همکاری مستقیم هر دوی این دولتها با کشتار و قربانی شدن مردم است. دسته جات اسلامی و تروریستی طالبان باید به زیر کشیده شوند. اسلام و تروریسم دست پرورده آن باید گور خود را در منطقه کم کنند. مردم نباید تاوان مقاومت جانین حاکم بر افغانستان را بدهند. نباید اجازه داد مردمی که با فرار خود به جهاد اسلامی این دیوانگان پشت کرده اند، پشت خاکریز جانین حاکم بر ایران در مقابل این جنایت مستول است. دولت ایران در همین شرایط روی آوارگی و فرار مردم سرمایه

به فدراسیون سراسری پناهندگان پیوندید!